

مؤلفه‌های سرشت امت واحده

دکتر سید احمد زرهانی

هر جامعه‌ای متکی بر اصول و طرز تفکری است که اجزاء آن را به هم پیوند می‌زند و آن را به سمت اهداف و چشم‌اندازی سوق می‌دهد. میزان استحکام و تداوم جوامع، به غنای فلسفه وجودی و اتقان پایگاه فکری و اعتقادی و سرمایه اجتماعی و سازوکارهای معقول و متوازن آنها بستگی دارد. افراد جامعه وقتی در روند رشد عقلی و اجتماعی و در فرایند کسب آگاهی، به کارآمدی حکمتهای حاکم بر جامعه خود پی می‌برند، عضویت در چنان جامعه‌ای را متضمن تأمین سعادت و پیشرفت و امنیت خود و خانواده خویش ارزیابی می‌کنند و برای حفظ و تکامل آن می‌کوشند و از کیان آن دفاع می‌کنند. از این رو هر کدام از کشورهای اسلامی و در مجموع کل امت واحده، باید از بنیانهای فکری مستحکم و درستی برخوردار باشند و ظرفیتهای و فرصتهای سازنده‌ای را برای کوشش و حرکت به سوی آینده‌ای روشن فراهم آورند و مسیر تعامل و تعاون و هم‌افزایی را برای مردم هموار کنند. اگر عناصر فکری و اعتقادی جامعه‌ای، مشوق ناسازگاری و اختلاف باشد و در کنار تعلیم سجایای اخلاقی و رفتارهای معقول به ترویج اصطکاکها روی آورد، تعادل آن در معرض خطر قرار می‌گیرد و باید منتظر آسیبها و تهدیدهای درونی و بیرونی بماند. به بیان واضح‌تر هر جامعه‌ای باید سرشتی داشته باشد که ارزشهای فکری، علمی و اجتماعی آن را معرفی کند و مهد رشد متوازن فرزندان خود قلمداد گردد و مردم، آن سرشت را به رسمیت بشناسند و قدر بدانند و براساس آن از منافع و مصالح جامعه حراست کنند و از برکت چنان موهبتی روح هم‌گرایی به دست آورند و با زمینه ذهنی مشترک و متوازی برای پیشرفت و ترقی کوشش کنند. یک اجتماع ناهمگون و فاقد اندیشه و آرمان مشترک و نامنسجم، به صرف زندگی در یک فضا، هرگز جامعه قلمداد نمی‌شود و فرصت همزیستی و کمال‌یابی و عبور از سد مشکلات و دستیابی به افق روشن‌تری را به دست نمی‌آورد. گوهر هر جامعه‌ای روح و سرشت و درون‌مایه‌های اصیل و فرهنگ معنوی آن است که براساس آن از بطن جامعه تمدن متولد می‌شود. از این رو می‌توان گفت که روح و سرشت و درون مایه امت واحده، اصل توحید است که در فطرت یکایک ابنای نوع تجلی دارد و فطرت همه مردم از وجهه الهی برخوردار است. با نگاهی به آیات قرآن کریم می‌توان به دو مورد از مؤلفه‌های سرشت امت واحده اشاره کرد، هر چند پرداختن به این مهم، مستلزم احاطه علمی بیشتر و مطالعه دقیق‌تری است که صاحب‌نظران باید





به آن پردازند و با ترسیم هویت و سرشت متعالی امت اسلامی مسیر مفاهیم و تعاون در بین مسلمانان را هموار سازند و با بسط خودآگاهی احساس همبستگی را تقویت کنند. در اینجا به طور اختصار تنها به دو مورد از موازین و ارزشهای بنیادین و مؤلفه‌های سرشت توحیدی امت واحده پرداخته می‌شود:

۱) عدالت و قسط

عدل و قسط در قاموس سرمایه‌داری و لیبرال دموکراسی، وجاهت چندانی ندارند و تمسک دولتمردان به قوانین بشری و برخاسته از اومانیسیم و راسیونالیسم راهی را برای تفقه در ابعاد عمیق عدالت و قسط بر وفق مکتب انبیا باز نمی‌کند. اما این مفاهیم برای پویندگان راه امت وسط، روشن و الهام‌بخش می‌باشند. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۱. نه تنها عدل برای قوام و انسجام امت واحده لازم است، بلکه تمام قوام و دوام آفرینش بر پایه عدل است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»^۲. از دیدگاه قرآن مجید، یکی از وجوه فلسفه فرستادن پیامبران همان «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳ است که نشانگر قوام جامعه انسانی به عدالت است و در مکتب انبیا مردم باید بر اساس عدل و داد باهم رفتار کنند. درسی که امروزه از این حقیقت باید آموخت، لزوم نهادینه کردن فرهنگ دادگری و تعامل عادلانه فرزندان امت اسلامی با همدیگر و مقدم داشتن عدل بر پیوندهای قومی و فرقه‌ای و ملی است که خداوند فرموده است: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»^۴ علت برخی از تجاسرها و تعدیها در جهان اسلام، قصور و تقصیر در اقامه عدل و قسط و استفاده از روشهای معقول در روابط اجتماعی و منازعات فرقه‌ای است.

۲) رحمت و مغفرت و احسان

مفاهیم ژرفی همچون رحمت و مغفرت آن گونه که در فرهنگ انبیا تعریف شده است، در مناسبات اجتماعی نظام سرمایه‌داری غرب یافت نمی‌شود؛ زیرا روح کاپیتالیسم همان مادی‌گرایی است که مشوق انسانها به سمت سودطلبی و فراهم کردن اسباب خوشی و سعادت دنیوی است. اما در تعالیم پیامبران، ارزشهایی از این دست، از عوامل استحکام روابط انسانها با همدیگر و تقرب به خدا به حساب می‌آیند و آثار دنیوی و اخروی ارزنده‌ای به ارمغان می‌آورند. خداوند می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۵ یعنی پیامبر رسول خداست و کسانی که در همراه آن حضرت هستند در برابر کفار، سرسخت و در میان خود مهربان می‌باشند و با رحمت با همدیگر برخورد می‌کنند. بی‌توجهی مسلمانان به سرنوشت همکیشان و پر نکردن شکافها زنگ خطر هلاکت را به صدا درمی‌آورد. خداوند

۱. نحل، ۹۰.

۲. عوَالِي النَّبِيِّ، ابن ابی‌جمهور احسان، ج ۴، ص ۱۰۳.

۳. حدید، ۲۵.

۴. مائده، ۸.

۵. فتح، ۲۹.

می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».^۶ اگر فرهنگ احسان و انفاق و رحمت و مغفرت در پهنه جهان اسلام تعمیم پیدا کند، ریشه پریشان‌حالیها و اختلافها و مهلکه‌ها، خشک و فضای زندگی روشن‌تر می‌گردد.

وقتی خداوند حکیم از مؤمنان می‌خواهد که کسانی را مورد مغفرت قرار دهند که در کمنند «لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ»^۷ افتاده‌اند و درخور عذاب الهی می‌باشند، به طریق اولی مسلمانان باید نسبت به همدیگر با غفران و گذشت بیشتری برخورد کنند. خداوند می‌فرماید: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».^۸ حال با نگاهی به نیم‌رخ سیاسی و مذهبی جهان اسلام، می‌توان میزان تأثیر این مؤلفه‌ها را در روابط اجتماعی مسلمانان اندازه‌گیری کرد و به عیوب کار پی برد. واقعیت نشان می‌دهد که در اثر دمدمه‌های استعمار نو و گرایشهای تند فرقه‌ای و ندانم‌کاریهای دیگر، کاستیهایی نگران‌کننده در مناسبات علمی و عملی مسلمانان با همکیشان خود وجود دارد و به اصطکاکها و اضطرابها دامن می‌زند، در حالی که مدینه فاضله اسلام یا همان امت واحده، وقتی با سرشت توحیدی اقامه شود، باید منزله از آفتهای نفسانی جلوه‌گر گردد و به منزله مظهري از حیات طیبه، معطر به رایحه اولیای الهی باشد. اگر وضع موجود را با برخی دیگر از مؤلفه‌های سرشت توحیدی امت واحده مثل «امر به معروف و نهی از منکر»، «اخوت»، «تعاون براساس نیکی»، «ولایت مؤمن بر مؤمن» و «عمل براساس علم»^۹ بسنجیم، بر میزان نگرانی افزوده می‌شود. مگر آنکه عالمان و دانشگاهیان و متفکران جهان اسلام، به برکت بیداری اسلامی، آستین همت بالا زنند و با به‌کارگیری رسانه‌ها و با ایجاد اتاق فکر و اهتمام در برنامه‌ریزیهای کارآمد، راه را برای مهندسی امت واحده هموار سازند و براساس فرهنگ تقلین، سازوکارها و مناسبات فکری و اعتقادی ملل اسلامی را بازسازی و اصلاح کنند و در قرن بیست و یکم یعنی قرن تولد دیگر تمدن اسلامی، بر سر در «مجلس علمای جهان اسلام» با خط نور بنویسند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ».^{۱۰}



۶. بقره، ۱۹۵.

۷. جائیه، ۱۴.

۸. جائیه، ۱۴.

۹. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء، ۳۶).

۱۰. انبیاء، ۹۲.